

تاریخ پنهان آیه چهل — شماره هشت

کوه

Jeff Pippenger

2026-04-05

کوه تجلی برای پطرس میان پانیوم و صلیب واقع شد؛ و در خطی دیگر، پطرس میان تعمید مسیح در آغاز خدمت او و اندکی پس از ورود ظفرمندان در پایان خدمت او قرار دارد. آن سه نشانه راه، یعنی تعمید، کوه، و پایان ورود ظفرمندان، با آن سه باری مشخص شده‌اند که پدر آسمانی سخن گفت. بار سوم در یوحنا ۱۲ هنگامی است که یونانیان در جست‌وجوی عیسی بودند. تعمید، ۹/۱۱ است؛ کوه، در تاریخ پانیوم تا قانون یکشنبه آیه شانزده قرار دارد. برای پطرس، نخست پانیوم بود، سپس کوه تا پایان ورود ظفرمندان، که درست پیش از آن بود که مسیح برای بار دوم جلال یابد.

اکنون جان من مضطرب است؛ و چه بگویم؟ ای پدر، مرا از این ساعت رهایی ده؛ لیکن برای همین سبب به این ساعت رسیده‌ام. ای پدر، نام خود را جلال ده. آنگاه آوازی از آسمان آمد که: آن را جلال داده‌ام و باز نیز جلال خواهم داد. پس آن جماعتی که در آنجا ایستاده بودند و آن را شنیدند، گفتند که رعدی شد؛ و دیگران گفتند: فرشته‌ای با او سخن گفت. عیسی در پاسخ گفت: این آواز نه به سبب من، بلکه برای شما آمد. اکنون داوری این جهان است؛ اکنون رئیس این جهان بیرون افکنده خواهد شد. و من، اگر از زمین بلند کرده شوم، همه را به سوی خود خواهم کشید. این را گفت تا اشاره کند به اینکه به چه گونه مرگی خواهد مرد. یوحنا 12:27-33.

خطی که به وسیله لاویان بیست‌وسه و فصل پنتیکاست قاب‌بندی شده است، یک نشان آغازین با سه گام دارد که پنج روز در پی آن می‌آید، و یک نشان پایانی نیز با همان ویژگی‌های عیناً یکسان دارد. میان آن نشان‌ها، سی روز نمایانگر دوره کاهنان است که در عید شیپورها پایان می‌پذیرد. عید شیپورها، عروج مسیح پس از چهل روز تعلیم رودررو به شاگردان خود بعد از قیامش، و روز کفاره، سه گام پایان خط را در لاویان بیست‌وسه نمایندگی می‌کنند. در پی آن سه گام، پنج روز می‌آید تا به هر دو، یعنی پنتیکاست و عید خیمه‌ها، برسد. سومین بار که پدر آسمانی سخن گفت، درست اندکی پیش از آن بود که یونانیان - که نمایانگر کسانی هستند که در قانون یکشنبه از بابل فراخوانده می‌شوند - در پی دیداری با عیسی بودند. درست پیش از قانون یکشنبه، عیسی برافراشته شدن علم بر صلیب را مشخص می‌سازد. زمین در 9/11 به جلال او منور شد و در قانون یکشنبه بار دیگر منور می‌شود.

قیصریه فیلیپی، که پانیوم است، ساعت سوم است؛ و قیصریه مریتمه، هنگام بانگ دعوت بیرون آمدن از بابل، ساعت نهم صلیب است. پیش از صلیب، در حالی که هنوز در تاریخ نبوی پانیوم قرار داریم، پطرس بر کوه است، اما همچنان پیش از پایان ورود ظفرمندان. پانیوم تا صلیب آیه شانزده ادامه می‌یابد. پطرس در پانیوم درست پیش از تاریخ سه‌مرحله‌ای عید گرنهاها، صعود و کفاره در لاویان بیست‌وسه قرار دارد. پطرس در سی روز تعلیم ویژه کاهن است.

شمعون در پانیوم پطرس می‌شود، و پیش از ورود ظفرمندان، بر کوه یک گام دارد. ورود ظفرمندان مثل ده باکره را به تصویر می‌کشد. تنها پنج تن به عروسی داخل می‌شوند، و پنج روز میان راه‌نشان سه‌گانه و پنتیکاست، آغاز ورود ظفرمندان است. این امر در عید شیپورها آغاز می‌شود، اما آن راه‌نشان از ترکیبی از سه راه‌نشان تشکیل شده است. به‌عنوان یک راه‌نشان واحد، آن‌ها حمله بر نشویل را با عید شیپورها مشخص می‌سازند. پیام فریاد نیمه‌شب به‌تازگی تأیید شده خواهد بود و موکب پنج باکره دانا فرایندی را آغاز می‌کند که به مرگ، دفن و رستاخیز صلیب، که همان قانون یکشنبه است، می‌انجامد.

پطرس در پانیوم است هنگامی که پیشگویی گلوله‌های آتشین نشویل را تصحیح می‌کند، و پیش از آنکه در هنگام تحقق آن پیشگویی، عید کرناها نواخته شود. او به ضرورت نبوی باید نخست به کوه برود، زیرا کوه پیش از ورود ظفرمندان بود. پیش از آنکه ابراهیم به کوه برود، نامش تغییر یافت، و نام پطرس نیز در پانیوم تغییر یافت، پیش از آنکه به کوه برود. کوه آزمون پطرس است پیش از آنکه پیشگویی گلوله‌های آتشین نشویل تحقق یابد. آن تحقق، آزمون سوم و محک تشخیص است که در آن، منش یا به صورت شادی آشکار می‌شود یا شرمساری.

خط ۴۵۷ پیش از میلاد میان رافیا و پانیوم پایان می‌یابد؛ عهد باب هفدهم پیدایش با رافیا منطبق است، و عهد باب شانزدهم متی شانزده با پانیوم انطباق دارد. از پانیوم، پطرس به کوه می‌رود، چنانکه ابراهیم به قربانی اسحاق رفت. کوه خط پطرس با کوه زمان ابراهیم منطبق است.

نشانه راه ابراهیم از سه روز تشکیل می‌شد. در ورود ظفرمندان، دو شاگرد فرستاده شدند تا الاغی را بیاورند تا مسیح را حمل کند، و در خط ابراهیم، سفر سه‌روزه او با برگزیدن دو خادم و الاغی برای حمل هیزم قربانی اسحاق آغاز می‌شود. سفر هشت‌روزه یا شش‌روزه پطرس به کوه، برای ابراهیم سه روز بود. پطرس در پانیوم پیش از کوه و پیش از گشودن الاغ، که آغاز ورود به اورشلیم است، قرار دارد؛ همان‌جا که سه روز ابراهیم آغاز شد. در ورود ظفرمندان، مسیح بر فراز کوه زیتون توقف کرد و بر اورشلیم گریست، و بدین‌سان پایان رابطه عهدی میان خدا و اسرائیل کهن تحت‌اللفظی را مشخص ساخت. کوه پطرس پیش از ورود ظفرمندان است؛ کوه مسیح در خلال ورود ظفرمندان است؛ و کوه ابراهیم در پایان ورود قرار دارد.

سال ۲۰۲۶ سال انتخابات میان‌دوره‌ای است؛ زمانی که دوپست‌وپنجاهمین سال پادشاهی ششم نبوت کتاب مقدسی، فرمانروایی پرچمال خود را جشن می‌گیرد. آن جشن، به‌عنوان یک نقطه میانی نبوی، با آنتیوخوس کبیر در سال ۲۰۷ پیش از میلاد منطبق است؛ همان نقطه میانی میان رافیا و پانیوم که پایان دوپست‌وپنجاه سال از ۴۵۷ پیش از میلاد را مشخص می‌سازد.

چون چهار خطی را که از فصل یازدهم تا فصل بیست‌ودوم را در بر می‌گیرند و تا اینجا گشوده شده‌اند در نظر می‌گیریم، (شاید نمونه‌های دیگری نیز وجود داشته باشد)، اکنون آن فصل‌ها را در کتاب آرزوی اعصار بررسی می‌کنیم. فصل یازدهم «تعمید» است، و فصل بیست‌ودوم «زندانی شدن و مرگ یوحنا» است. یوحنا در آغاز و در پایان قرار دارد، و فصل هفدهم، یعنی فصل میانی، «نیکودیموس» است.

«نیکودیموس نزد خداوند آمده بود، با این تصور که با او وارد بحثی شود؛ اما عیسی اصول بنیادی حقیقت را آشکار ساخت. او به نیکودیموس گفت: آنچه تو بیش از همه بدان نیاز داری، نه معرفت نظری، بلکه تولد تازه روحانی است. نیاز تو این نیست که کنجکاویت ارضا شود، بلکه آن است که دلی تازه بیایی. تو باید حیاتی تازه از بالا دریافت کنی، پیش از آن‌که بتوانی امور آسمانی را درک کنی. تا زمانی که این دگرگونی، که همه‌چیز را نو می‌سازد، واقع نشود، بحث کردن با من درباره اقتدارم یا رسالتم هیچ سود نجات‌بخشی برای تو در بر نخواهد داشت.»

«نیکودیموس موعظه یحیی تعمیددهنده را درباره توبه و تعمید شنیده بود، و اینکه مردم را به سوی کسی رهنمون می‌ساخت که با روح‌القدس تعمید خواهد داد. او خود احساس کرده بود که در میان یهودیان کمبود معنویت وجود دارد، و اینکه ایشان تا حد زیادی زیر سلطه تعصب و جاه‌طلبی دنیوی هستند. او به هنگام آمدن مسیحا به وضعی بهتر امید بسته بود. با این حال، پیام جان‌کاوانه یحیی نتوانسته بود در او اقتناع نسبت به گناه پدید آورد. او فریسی‌ای سخت‌گیر بود و به اعمال نیک خویش می‌بالید. او به سبب نیکوکاری و سخاوتمندی‌اش در پشتیبانی از خدمات هیکل، به‌طور گسترده مورد احترام بود، و خود را از التفات خدا ایمن می‌پنداشت. از اندیشه پادشاهی‌ای

که در وضع کنونی‌اش برای دیدن آن بسی پاک‌تر از آن بود، به شگفت آمد.» آرزوی اعصار، ص. 171.

نقطهٔ میانی در کتاب آرزوی اعصار در سلسلهٔ نیکودیموس یافت می‌شود؛ کسی که نمایانگر آخرین فراخوان به ادونتیسیم در خط مهر شدن صد و چهل و چهار هزار است. او نمایندهٔ گروهی است که پیام پیشگام مسیح را شنیدند، اما از وضعیت لائودیکه‌ای خود بی‌خبر بودند.

«در مصاحبه با نیکودیموس، عیسی نقشهٔ نجات و مأموریت خود را نسبت به جهان آشکار ساخت. او در هیچ‌یک از بیانات بعدی خود، کاری را که باید در دل‌های همه کسانی که وارث ملکوت آسمان خواهند شد، انجام گیرد، تا این اندازه کامل و گام‌به‌گام توضیح نداد. در همان آغاز خدمت خویش، حقیقت را بر عضوی از سنهدرین، بر ذهنی که از همه پذیراتر بود، و بر معلمی منصوب برای قوم گشود. اما رهبران اسرائیل نور را خوشامد نگفتند. نیکودیموس حقیقت را در دل خود پنهان کرد، و تا سه سال ثمرهٔ آشکاری اندک پدیدار شد.» The Desire of Ages, 176.

پیام یحیی و تعمید دادن او به مسیح، نمایانگر پیام فرشتهٔ اول دربارهٔ ترسیدن از خدا بود. پیام یحیی، پیام لائودیکه دربارهٔ عادل‌شمردگی به‌وسیلهٔ ایمان بود، و آن پیام در تعمید مسیح قوت یافت؛ همان‌گونه که پیام جونز و واگنر، پیام به لائودیکه در سال ۱۸۸۸ بود. تعمید مسیح و سال ۱۸۸۸، به‌طور نمادین بیانگر رسیدن پیام به لائودیکه در ۱۱ سپتامبر بودند، که در نقطهٔ میانی میان رافیا و پانیوم به پایان می‌رسد.

نیکودیموس به معنای «پیروزی قوم» است، و عادل‌شمردگی به‌واسطهٔ ایمان همان پیام مَهرکننده‌ای است که با پیام یوحنا رسید، در تعمید اقتدار یافت، و به‌وسیلهٔ ملاقات نیمه‌شب نیکودیموس با مسیح تعریف شد. فصل بیست‌ودو مرگ یوحنا را توصیف می‌کند که در شاگردان او شناخت آن علمی را پدید آورد که برافراشته می‌شد و همهٔ انسان‌ها را به سوی خود جذب می‌کرد. تعمید، هم 9/11 بود و هم 18 ژوئیهٔ 2020 تا 31 دسامبر 2023، زیرا تعمید مرگ (2020)، دفن (سه روز و نیم) و رستاخیز (31 دسامبر 2023) را به تصویر می‌کشد. سپس ملاقات نیمه‌شب، که در آن پیروزی قوم به صورت تولید دوباره، از کوری لائودیکه تا بینایی بیست‌بیست یک فیلادلفیایی، به تصویر کشیده می‌شود. سپس اعمال مسیح به‌عنوان برافراشتن علم مطرح می‌گردد.

برای ابراهیم، اعمال مسیح در سلسلهٔ یوحنا با قربانی اسحاق هم‌راستا است. برای پطرس، این سلسله در قیصریه کنار دریا، قیصریه مریتیمه، در ساعت نهم پایان می‌یابد؛ جایی که صلیب همهٔ انسان‌ها را به سوی پیروزی عادل‌شمردگی به‌واسطهٔ ایمان فرا می‌خواند، که همان پیام فرشتهٔ سوم است. پیام فرشتهٔ سوم، پیام سومین وای اسلام است که در 11 سپتامبر، در نخستین رویارویی بلعام با الاغ اسلام، فرارسید؛ سپس با دوچندان شدن ضربات علیه سرزمین جلال تحت‌اللفظی در 7 اکتبر 2023، و سپس ضربهٔ دوم در نشویل، آنگاه که بلعام الاغ اسلام را از میان تاکستان‌های سرزمین جلال باستانی تحت‌اللفظی و جلال نوین روحانی هدایت می‌کند. ضربهٔ سوم، زلزلهٔ قانون یکشنبه به‌زودی آمدنی است. در آنجا اسحاق قربانی می‌شود؛ در آنجا شاگردان یوحنا، نمادی از جماعت عظیم که ردهای سفید شهادت به ایشان داده می‌شود، اعمال علم را شنیدند و دیدند. نقاط میانی پیدایش، متی، و آرزوی اعصار، مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار و فراخواندن امت‌ها را مشخص می‌سازند.

توضیحی که مسیح به نیکودیموس داد، دربارهٔ کار باد بود، هرچند کار آن نادیدنی است.

«نیکودیموس هنوز در حیرت بود، و عیسی برای روشن ساختن مقصود خود از باد بهره گرفت: «باد هر جا که بخواهد می‌وزد، و تو آواز آن را می‌شنوی، اما نمی‌دانی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود؛ همچنین است هر که از روح مولود شده باشد.»

«باد در میان شاخه‌های درختان شنیده می‌شود و برگ‌ها و گل‌ها را به خش‌خش می‌اندازد؛ با این همه، نادیدنی است، و هیچ‌کس نمی‌داند از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. کار روح‌القدس بر دل نیز چنین است. آن را بیش از حرکات باد نمی‌توان توضیح داد. ممکن است شخص نتواند زمان یا مکان دقیق را بازگو کند، یا همه اوضاع و احوال فرایند توبه و بازگشت را پی‌گیری نماید؛ اما این ثابت نمی‌کند که او توبه نکرده است. مسیح به وسیله عاملیتی که همچون باد نادیدنی است، پیوسته بر دل کار می‌کند. اندک‌اندک، شاید بی‌آنکه دریافت‌کننده خود آگاه باشد، تأثراتی پدید می‌آید که جان را به سوی مسیح می‌کشاند. این تأثرات ممکن است از راه تأمل درباره او، از راه خواندن کتب مقدس، یا از راه شنیدن کلام از واعظ زنده دریافت شود. ناگهان، هنگامی که روح با دعوتی مستقیم‌تر فرامی‌رسد، جان با شادی خویشتن را به عیسی تسلیم می‌کند. بسیاری این را توبه و بازگشت ناگهانی می‌نامند؛ اما این نتیجه دلجویی درازمدت روح خداست—فرایندی شکبیا و ممتد.»

«هرچند باد خود نامرئی است، آثاری پدید می‌آورد که دیده و احساس می‌شوند. همچنین، کار روح بر جان، در هر عمل کسی که قدرت نجات‌بخش آن را احساس کرده است، خود را آشکار خواهد ساخت. هنگامی که روح خدا مالک قلب می‌شود، زندگی را دگرگون می‌سازد. اندیشه‌های گناه‌آلود کنار نهاده می‌شوند، اعمال شریرانه ترک می‌گردند؛ محبت، فروتنی، و سلام جای خشم، حسد، و نزاع را می‌گیرند. شادی جای اندوه را می‌گیرد، و چهره نور آسمان را منعکس می‌سازد. هیچ‌کس دستی را که بار را برمی‌دارد نمی‌بیند، و فرود آمدن نور را از بارگاه‌های بالا مشاهده نمی‌کند. برکت آنگاه می‌آید که جان، به وسیله ایمان، خویشتن را به خدا تسلیم می‌کند. آنگاه آن قدرتی که هیچ چشم انسانی نمی‌تواند ببیند، وجودی تازه به صورت خدا می‌آفریند.» آرزوی اعصار، 172، 173.

در ۱۱ سپتامبر، باران آخر آغاز به باریدن اندک‌اندک کرد. در ۱۱ سپتامبر، اسلام که در نیوت کتاب مقدس به مثابه «باد شرقی» معرفی شده است، هم‌زمان با آغاز مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر، وارد صحنه شد. باران آخر، که پیامی است و به وسیله «روغن طلایی» ای که از دو لوله طلایی زکریا فرو می‌ریزد نمایانده می‌شود، فراخواندن آدونتیست‌های لاودیکیه‌ای روز هفتم را به توبه آغاز کرد. باد روح‌القدس کار خود را برای تعلیم همه آنچه مکتوب است آغاز نمود و پیام راه‌های قدیم ارمیا را به کار گرفت تا با دل‌های لاودیکیان نابینا سخن بگوید. کار روح‌القدس که برای نیقودیموس به صورت کامل‌تر توضیح داده شد، همان «گام به گام»، «کاری است که لازم است در دل‌های همه آنان که وارث ملکوت آسمان خواهند شد انجام شود.» این فرایند به وسیله مسیح با کار باد مقایسه شد، و این فرایند در خلال دوره «باد شرقی» رخ می‌دهد، همان بادی که در ۱۱ سپتامبر از راه رسید. اشعیا نیز همین دوره را با تعبیر باد سخت مورد خطاب قرار می‌دهد.

به اندازه، هنگامی که آن را به پیش می‌رانی، با آن مرافعه خواهی کرد؛ او در روز باد شرقی، باد سخت خویش را باز می‌دارد. پس بدین وسیله گناه یعقوب کفاره خواهد شد؛ و تمامی ثمر این است که گناه او برداشته شود؛ آنگاه که او همه سنگ‌های مذبح را چون سنگ‌های گچی که درهم کوبیده شده‌اند، خواهد ساخت؛ بی‌شده‌ها و بت‌ها برپا نخواهند ماند. اشعیا 27:8، 9

همه انبیا در ایام آخر با یکدیگر هم‌سو هستند، و «باد سخت» اشعیا همان بادهای فتنه یوحناست که در طی مهر شدن یک‌صد و چهل و چهار هزار نفر در بند نگاه داشته می‌شوند. باد سخت اشعیا همان باد شرقی است که در شهادت اشعیا «بازداشته» می‌شود و در شهادت یوحنا در بند نگاه داشته می‌شود. بادهای فتنه یوحنا تا زمانی نگاه داشته می‌شوند که قوم خدا مهر شوند، و باد شرقی اشعیا به‌عنوان دوره‌ای شناخته می‌شود که در آن «گناه یعقوب» «پاک» می‌شود. واژه عبری «پاک» به معنای کفاره شدن است. مهر شدن در یوحنا همان چیز است که در فصل نهم حزقیال آمده و همان پاک شدن گناه یعقوب است. آن فرشته‌ای که در اورشلیم می‌گذرد و بر کسانی که آه و ناله می‌کنند

نشانی می‌گذارد، همان فرشته‌ای است که از «شرق» صعود می‌کند.

و بعد از این امور، چهار فرشته را دیدم که بر چهار گوشه زمین ایستاده بودند و چهار باد زمین را نگاه می‌داشتند تا باد بر زمین، یا بر دریا، یا بر هیچ درختی نوزد. و فرشته دیگری را دیدم که از مشرق برمی‌آمد و مهر خدای زنده را داشت؛ و او با آوازی بلند به آن چهار فرشته‌ای که بدیشان داده شده بود که به زمین و دریا آسیب رسانند، ندا درداد و گفت: به زمین و نه به دریا و نه به درختان آسیبی مرسانید، تا بندگان خدای خود را بر پیشانی‌هایشان مهر کنیم. مکاشفه ۱: ۷-۳

آن فرشته، مسیح است، و او در پایان چهل روز تعلیم رودررو به شاگردان در فصل پنتیکاست صعود کرد؛ و او در عید گرناها در لایوان بیست و سه، در پایان سی روز تعلیم رودررو با کاهنانی که با عدد سی نمود یافته‌اند، صعود می‌کند.

سال ۲۰۲۶ سال انتخابات میان‌دوره‌ای است، و این انتخابات پیشاپیش به‌عنوان نشانه‌های نبوی تأیید شده‌اند. اگر دموکرات‌ها انتخابات سال ۲۰۲۰ را ندرزیده بودند، ترامپ معمای روم را به انجام نمی‌رسانید. معمای روم این است که «هشتمین است و از آن هفت است». این معما ترامپ را به‌عنوان نماینده تصویر وحش معرفی می‌کند، که همواره به‌صورت هشتم برمی‌خیزد، و با این حال از آن هفت است. در دانیال هفت، لازم بود سه شاخ از ده شاخ روم بت‌پرست برداشته شود تا شاخ کوچک صعود کند. در آنجا روم پایی به‌عنوان هشتمین در میان هفت شاخ دیگر برآمد، با این حال از روم بت‌پرست پدید آمد، زیرا می‌بایست از آن هفت باشد. در دانیال هشت، امپراتوری ماد و پارس با دو شاخ نمایانده شد، سپس یونان یک شاخ واحد بود که چون شکسته شد، چهار شاخ پدید آورد؛ بدین‌سان، پیش از آنکه روم فرا رسد، هفت شاخ وجود داشته است، و شاخ کوچک روم هشتمین است. شواهد دیگری نیز بر این حقیقت وجود دارد که روم همواره به‌صورت هشتم برمی‌خیزد و از آن هفت است، اما مرجع اصلی این معما باب هفدهم مکاشفه است.

و این است ذهنی که حکمت دارد. آن هفت سر، هفت کوه‌اند که آن زن بر آنها نشسته است. و هفت پادشاه هستند: پنج تن سقوط کرده‌اند، و یکی هست، و دیگری هنوز نیامده است؛ و چون بیاید، باید زمانی اندک بیاید. و آن وحش که بود و نیست، خود او هشتمین است، و از آن هفت است، و به هلاکت می‌رود. مکاشفه ۱۷: ۹-۱۱

انتخابات دزدیده‌شده ۲۰۲۰، یک انتخابات را به‌عنوان یک نشانه راه نبوی مشخص ساخت. شاهد دوم بر این واقعیت، رئیس‌جمهور کارتر است. ریگان نخستین آن رؤسای جمهوری بود که به ترامپ منتهی می‌شوند؛ ترامپی که هشتمین است و از آن هفت است، زیرا تصویری از روم را تشکیل می‌دهد. ریگان نخستین سلسله هشت رئیس‌جمهور از زمان پایان در ۱۹۸۹ بود. سال ۱۹۸۹ در دانیال یازده، آیات ۱ تا ۴، تحقق یافت، و شهادت ثروتمندترین رئیس‌جمهور را ارائه می‌کند. پیش از ریگان، بدترین رئیس‌جمهور تاریخ تا آن مقطع قرار داشت. کارتر در حالی دفتر را ترک کرد که بحرانی از اسلام حل‌نشده باقی مانده بود. چهل و هفت سال بعد، ترامپ اکنون در حال حل کردن مشکلی است که دموکراتی به نام کارتر برای ریگان بر جای گذاشت. از آنجا که نخستین و آلفا، یعنی ریگان، یک جمهوری‌خواه بود که نمونه یک جمهوری‌خواه در پایان و امگا، یعنی ترامپ، را پیش‌نگاری می‌کرد، ترامپ نیز باید بحرانی از اسلام را که رئیس‌جمهور دموکرات پیش از او پدید آورده بود، به ارث می‌برد؛ کسی که بنا بر ضرورت نبوی، می‌بایست تا آن زمان بدترین رئیس‌جمهور تاریخ باشد. البته اوایما همه آن ویژگی‌های نبوی را محقق ساخت، و بایدن نیز چنین کرد. برای آن که ریگان نمونه آخرین باشد، لازم بود که نه فقط نمونه هشتم، بلکه نمونه ششم نیز باشد. در انجام این امر، شیر سبط یهودا می‌بایست انتخابات را تحت کنترل داشته باشد تا توالی ریاست‌جمهوری‌های شکست‌خورده‌ای را که در هر دو مورد پیش از ترامپ آمدند، تضمین کند. انتخابات یک نشانه راه نبوی هستند، و ۲۰۲۶ انتخابات میان‌دوره‌ای برای آن رئیس‌جمهوری است که هشتمین است و از آن هفت است.

خط دویست و پنجاه ساله ایالات متحده در 1776 آغاز شد و در 2026 به اوج خود می‌رسد. خط دویست و پنجاه ساله 457 ق.م. در 207 ق.م. به اوج رسید، در میان آیات یازده و پانزده، یعنی نبردهای رافیا و پانیوم. رافیا از لحاظ نبوی با عهد ختنه پیدایش 17 هم‌راستا است، و پانیوم از لحاظ نبوی با عهد یک‌صد و چهل و چهار هزار نفر متی 16 هم‌راستا است. 2026 با 207 ق.م. منطبق است، در میان آیات یازده و پانزده—میان رافیا و پانیوم، که همچنین میان نخستین عهد خدا با قومی برگزیده و آخرین عهد خدا با قومی برگزیده قرار دارد.

خطوط دویست و پنجاه ساله‌ای که در نقطه میانی ۲۰۷ پیش از میلاد و ۲۰۲۶ پایان می‌یابند، با خط دویست و پنجاه ساله آزار و جفایی که در سال ۶۴، هنگامی که شهر روم سوخت، آغاز شد، هم‌راستا هستند. از آن نقطه، هفت سال هشدار درباره ویرانی قریب‌الوقوع، به وسیله مردی غریب، به ساکنان اورشلیم اعلام گردید. هنگامی که سال هفتاد فرا رسید و اورشلیم ویران شد، کلیسای خدا پراکنده گردید و آنان انجیل را به سراسر جهان رسانیدند. هم‌زمان با آن که کلیسای افسس پیام پنطیکاستی رستاخیز را اعلام می‌کرد، آزار و جفایی که به وسیله کلیسای اسمیرنا نمود یافته است آغاز شد، زیرا آن دو کلیسا به ضرورت نبوی می‌بایست برای مدتی به موازات یکدیگر پیش روند. پولس یکی از رهبران کلیسای نبوی افسس بود، با این حال او درباره هر دو تاریخ قلم زد.

آزارها و مصیبت‌هایی که در آنطاکیه، ایکونیه و لیستره بر من وارد آمد؛ چه آزارها که تحمل کردم؛ اما خداوند مرا از همه آن‌ها رها کنید. آری، و همه کسانی که بخواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند، متحمل آزار خواهند شد. ۲ تیموتائوس ۳:۱۱، ۱۲.

ای. تی. جونز دوره دویست و پنجاه ساله‌ای را مشخص می‌کند که در سال ۶۴ آغاز می‌شود و با فرمان میلان در سال ۳۱۳ پایان می‌یابد. در طی آن سال‌ها، آزار و جفا بر ضد قوم خدا به وسیله روم بت‌پرست اعمال می‌شد، اما پیام خطاب به کلیسای اسمیرنا از ده روز سخن می‌گوید که نمایانگر شدیدترین و سخت‌ترین آزار آن دوره است.

از آنچه خواهی کشید هیچ مترس؛ اینک ابلیس بعضی از شما را به زندان خواهد افکند تا آزموده شوید؛ و شما ده روز مصیبت خواهید داشت. تا به موت امین باش، و تاج حیات را به تو خواهم داد. مکاشفه ۲:۱۰

آن دوره آزار و جفا که به وسیله امپراتور دیوکلتیان نمایانده شده بود، ده سال به طول انجامید؛ از سال ۳۰۳ آغاز شد و در سال ۳۱۳ پایان یافت، زمانی که امپراتور کنستانتین کبیر در حال فرمانروایی بود، چنان‌که در نخستین قانون یکشنبه سال ۳۲۱ نیز چنین بود، و نیز هنگامی که او در سال ۳۳۰ روم را به شرق و غرب تقسیم کرد. سال ۳۱۳ از نظر نبوی با ازدواجی دیپلماتیک در میلان مشخص شد، آنگاه که امپراتور کنستانتین (فرمانروای غرب) ترتیب ازدواج خواهر ناتنی خود، فلاویا یولیا کنستانتینا، را با لیسینیوس داد، یعنی همان امپراتوری که بخش شرقی (یا بخشی که به زودی شرقی می‌شد) امپراتوری روم را در اختیار داشت. این ازدواج به طور نمادین زمانی پایان یافت که کنستانتین در سال ۳۳۰ پادشاهی را به شرق و غرب تقسیم کرد.

دوره ۲۵۰ ساله نرون با یک دوره هفت ساله آغاز می‌شود که با محاصره‌ای آغاز و با محاصره‌ای پایان می‌یابد؛ محاصره‌ای که نمونه‌ای از پایان جهان است. در پایان این دوره، ده سال مشخص آزار و جفا وجود داشت. این دوره در زمان افسس آغاز شد، سپس تاریخ سمیرنا را دربر گرفت تا به کلیسای سازش قسطنطین رسید، زمانی که کلیسای پرغامس در سال ۳۱۳ پدیدار شد.

آن هفده سال از ۳۱۳ تا ۳۳۰، همتای خود را در تاریخ رافیه و پانیوم می‌یابند، جایی که نبرد ۲۱۷ ق.م. و نبرد ۲۰۰ ق.م. با فاصله هفده سال از یکدیگر قرار دارند. در نبرد رافیه، بطلمیوس پیروز شد، اما پیش

از نبرد پانیوم مرده و رفته بود. با این حال، او از ۲۲۱ ق.م. تا ۲۰۴ ق.م. به مدت هفده سال سلطنت کرد. سه خط ۲۵۰ ساله که به وسیله سه هفده به یکدیگر پیوند یافته‌اند، این ملاحظه را الزام‌آور می‌سازند که ۳۱۳ با ۲۰۲۶ منطبق است.

۳۱۳ گذار مشخصی از جفا به مصالحه بود، و از این‌رو، سال ۳۱۳ را به‌عنوان نمادی از تغییری با ماهیتی نبوی مشخص می‌سازد که به وسیله انتقال از اسمیرنا به پرماس نمونه‌وار گردیده بود. گام نخست با ازدواجی دیپلماتیک نمایان شد که هفده سال بعد به طلاق انجامید. گام دوم، نخستین قانون یکشنبه بود. الهام به ما آگاهی می‌دهد که قانون یکشنبه را فرایندی تدریجی و گام‌به‌گام پیشی می‌گیرد که شامل قوانینی درباره یکشنبه است که پیش از آن قانون یکشنبه قرار دارند که چنین تعریف می‌شود: واداشتن شما به رعایت یکشنبه و نیز آزار رساندن به سبب نگاه‌داشتن سبت روز هفتم خدا.

«اگر خواننده بخواهد ابزارهایی را که در نبرد به‌زودی فرارسنده به کار گرفته خواهند شد دریابد، کافی است سرگذشت وسایلی را که روم در اعصار گذشته برای همان مقصود به کار برد دنبال کند. اگر بخواهد بداند پاپ‌گرایان و پروتستان‌ها، در اتحاد با یکدیگر، با کسانی که اصول اعتقادی ایشان را رد می‌کنند چگونه رفتار خواهند کرد، بگذارد روحی را که روم نسبت به سبت و مدافعان آن آشکار ساخت، بنگرد.»

«فرمان‌های سلطنتی، شوراها، عمومی، و مقررات کلیسایی که به وسیله قدرت سکولار پشتیبانی می‌شدند، مرحله بودند که به واسطه آن‌ها جشن بت‌پرستانه به مقام افتخار خود در جهان مسیحیت دست یافت. نخستین اقدام علنی برای الزام به رعایت یکشنبه، قانونی بود که به وسیله کنستانتین وضع شد. (321) (321) این فرمان ایجاد می‌کرد که ساکنان شهرها در «روز محترم خورشید» استراحت کنند، اما به روستاییان اجازه می‌داد که به فعالیت‌های کشاورزی خود ادامه دهند. هرچند این قانون عملاً قانونی مشرکانه بود، امپراتور آن را پس از پذیرش اسمی مسیحیت به اجرا گذاشت.» The Great Controversy, 573, 574.

فرمان میلان در سال ۳۱۳، همان «فرمان شاهانه» بود که به دنبال آن «شوراها عمومی و احکام کلیسایی که به وسیله قدرت سکولار پشتیبانی می‌شدند، گام‌های بعدی بودند.» این‌ها گام‌های تدریجی‌ای بودند که به نخستین قانون یکشنبه در سال ۳۲۱ انجامیدند. یکی از آن‌ها «احکام کلیسایی» است، مانند رعایت یکشنبه، که «به وسیله قدرت سکولار پشتیبانی می‌شوند.» دوره ۱۸۸۸ رشته‌ای از قوانین یکشنبه را مشخص می‌کند که سناتور بلر آنها را به مجلس سنا معرفی کرد، اما هرگز به جایی نرسیدند؛ با این حال، در همان تاریخ، چندین ایالت در حال تصویب قوانین یکشنبه با اجرای ایالتی بودند. این دو شاهد، سال ۳۱۳ را به‌عنوان یک نشانه راه شناسایی می‌کنند؛ جایی که «فرمان‌های شاهانه»، مانند یک فرمان اجرایی، گذار در تاریخ حیوان زمین را مشخص می‌ساخت، همان که مقدر است چون اژدها سخن بگوید.

هنگامی که ایالات متحده همچون اژدها سخن می‌گوید، به‌عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس به پایان می‌رسد؛ و این را با همان‌گونه سخن گفتن انجام می‌دهد که در آغاز سلطنت خود به‌عنوان ششمین پادشاهی بدان سخن گفت. در سال 1798، ایالات متحده «قوانین بیگانگان و فتنه» را تصویب کرد که نمونه‌وار قانون یکشنبه بود. «قوانین بیگانگان و فتنه» سال 1798، سومین گام از سه گامی بود که در 1776 با «اعلامیه استقلال» آغاز شد و پس از آن در 1789 «قانون اساسی» آمد. آن سه گام با 313، 321 و 330 هم‌راستا هستند.

۱۷۷۶، ۱۷۸۹ و ۱۷۹۸ همگی اعمالی بودند که به‌عنوان «سخن گفتن» تعریف می‌شوند، زیرا الهام به ما آگاه می‌سازد که «سخن گفتن یک ملت، عمل مقامات قانون‌گذاری و قضایی آن است.» ۳۱۳، ۳۲۱ و ۳۳۰ همگی نشانه‌های راهی هستند که با کنستانتین کبیر مرتبط‌اند. پایان اسرائیل باستان

تحت اللفظی، هم پادشاهی شمالی و هم پادشاهی جنوبی، به صورت یک طلاق نمادپردازی شده است، و این همان چیزی است که ۳۳۰ نمایانگر آن است. طلاق میان شرق و غرب در یک ازدواج که هفده سال پیشتر، در ازدواج فرمان میلان، آغاز شده بود. در هنگام قانون یکشنبه، ایالات متحده جام زمان آزمایشی خود را پر کرده خواهد بود و از حیث مقصود نبوی خویش از خدا طلاق داده خواهد شد، چنان که سرزمین جاری از شیر و عسل برای اسرائیل باستان نمونه‌ای از آن بود. الهام می‌گوید ارتداد ملی با ویرانی ملی دنبال می‌شود. این زمانی رخ می‌دهد که خدا سرزمین جلال را طلاق می‌دهد، چنان که سال ۳۳۰ آن را نمایان می‌سازد. از ازدواج ۳۱۳ تا نخستین یک سلسله قوانین یکشنبه فزاینده در ۳۲۱، تا طلاق ۳۳۰. ۱۷۷۶ با ۳۱۳ هم‌راستا است، و ۱۷۸۹ با ۳۲۱ هم‌راستا است و ۱۷۹۸ با ۳۳۰ هم‌راستا است.

۳۳۰ همچنین تحقق ۳۶۰ سال از زمان نبرد آکتیوم در سال ۳۱ پیش از میلاد است. آکتیوم سومین مانع روم بود و از این رو، به مثابه نمونه‌ای از قانون یکشنبه است، جایی که روم جدید بر دومین و سومین موانع خود غلبه می‌کند. در نشان راه ۳۳۰، نبرد پانیوم به نبرد آکتیوم می‌پیوندد. نبرد رافیا در ۲۱۷ پیش از میلاد با جنگ اوکراین در ۲۰۱۴ منطبق است؛ سپس در ۲۰۱۵ ترامپ نخستین کارزار ریاست جمهوری خود را آغاز کرد، در ۲۰۲۰ هر دو شاخ وحش زمین کشته شدند، و در ۲۰۲۳ هر دوی آنان زنده شدند. در ۲۰۲۴ آزمون بنیان‌ها آغاز شد و در ۲۰۲۵ اتحاد نبوی رئیس‌جمهور هشتم و همتای پاپی او با مراسم تحلیف متقابل ایشان مشخص گردید.

این مطالب را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.